

## کارکرد فضای مجازی در ارتقای سطح فکری و اجتماعی زنان در ایران

کیومرث یزدان‌پناه درو\* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تأیید نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۰۴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰

### چکیده

فضای مجازی که به دلایل کارکردهای متعدد و جذابیت‌های نو به دنیای دوم انسان‌ها تبدیل شده، تأثیرات بسیار پیچیده‌ای بر رفتار و کردار انسان‌ها به جا گذاشته است. این فناوری نو ارتباطی که محصول دوره چهارم دستاوردهای فنی بشر به‌شمار می‌آید، توانسته است به‌طرز شگفت‌آوری در تمام گروه‌های سنی به‌گسترده‌گی نفوذ پیدا کند. در این پژوهش، سعی شد که ابعاد مختلف کارکردهای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به‌مثابه رسانه‌ای چندوجهی و میزان اثرگذاری آن بر جامعه زنان ایران بررسی شود. بنابراین، سعی شد با در نظر گرفتن قابلیت‌ها و کارکردهای مختلف آن، ابعاد و میزان اثرگذاری آن بر زنان ایرانی تجزیه و تحلیل شود. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش پیمایشی و جمع‌آوری برخی اطلاعات از راه پرسشنامه، به بررسی سطح و میزان اثرگذاری فضای مجازی بر زنان، آثار مثبت و منفی آن در تغییر الگوهای رفتاری در متغیرهای رفتاری اجتماعی پرداخت. نتایج نشان داد که فضای مجازی امکان پویایی و تحرک اجتماعی زنان را بیشتر فراهم کرده و با حضور معنادار در گروه‌های متعدد اجتماعی، آنان را تاحدگسترده‌ای از انزوای اجتماعی خارج کرده است؛ هرچند پیامدهای ناشی از حضور بدون محدودیت در فضای مجازی نیز برای زنان فراوان بوده و در موارد متعددی منجر به تحمیل هزینه‌های روحی و روانی به آنان شده است. اما بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که حضور در فضای مجازی سبب تحرکات بیشتر زنان در جامعه شده و در جهاتی به ارتقای ذهنی و فکری آنان در دسته‌های مختلف اجتماعی منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: آثار جنسیتی، جغرافیای سیاسی فضای مجازی، زنان ایرانی، شبکه‌های اجتماعی، فناوری‌های نو ارتباطی.

## مقدمه

در مفاهیم نوظهور جغرافیای سیاسی، به فضای مجازی و کارکردهای این فضا در حوزه‌های مختلف توجه شده است. این فضا در ابعاد مختلفی توجه گروه‌های جنسیتی را به خود جلب کرده و آنان را صاحب جایگاه‌های برجسته‌تری در عرصه‌های گوناگون اجتماعی کرده است. در چنین شرایطی، یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه ملی کشورها، نوع و شیوه حضور زنان در مشارکت‌های بزرگ (مشارکت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) است؛ زیرا گسترش چشمگیر فناوری ارتباطات و رخنه آن در تمام مسائل فردی و ابعاد شخصیتی، منجر به تغییر روش‌های عمدتاً بسته سنتی شده و راه را برای مشارکت متفاوت گروه‌های مختلف انسانی فراهم کرده است. از سوی دیگر، وجود آزادی‌های گسترده و نبود محدودیت‌های دست‌وپاگیری در فضای مجازی، جامعه زنان را از ترس برخوردهای سنتی دور کرده و به آنان شهامت لازم را برای حضور مؤثر در جامعه داده است. بررسی ابعاد متعدد این تغییرات و پیامدهای اجتماعی-سیاسی و فرهنگی آن، اهداف اصلی این مقاله را به خود اختصاص داده است که در محتوای مقاله و یافته‌ها به آن خواهیم پرداخت؛ زیرا از مهم‌ترین تأثیرات استفاده از فضای سایبری و شبکه اجتماعی، می‌توان به تأثیر مستقیم آن بر ارتقای جایگاه اجتماعی زنان در جامعه ایران اشاره کرد. فضای مجازی محیط متغیری از جغرافیای سیاسی برای زنان در ایران فراهم آورده است که به واسطه آن، کاربران فعال اجتماعی می‌توانند دست به خلاقیت‌های فردی و گروهی بزنند تا از آن راه، توانمندی‌های خود را در عرصه‌های مختلف به رخ بکشند و به زعم خود به جایگاه واقعی خود برسند.

در همین زمینه، کارکرد شبکه جهانی اینترنت با تنوع اطلاعاتی که در اختیار کاربران در فضای مجازی قرار داده است، هر روز بیشتر می‌شود. بنابراین، در این مقاله به‌ناچار تمام کارکردهای موضوعی مربوط به آثار و پیامدهای مثبت و منفی آن در جامعه ایران تجزیه و تحلیل شده است. زنان ایرانی به‌واسطه علاقه‌مندی ایجادشده در فضای مجازی، جایگاه متفاوتی را برای خود تعریف کرده و با ورود جسورانه به عرصه‌های مختلف این فضا، در پی نقش‌آفرینی‌های متفاوت و مستمری در جامعه‌اند.

این میزان از مشارکت و حضور در شبکه‌های اجتماعی را می‌توان بزرگ‌ترین تحول اجتماعی زنان در سده بیست و یکم قلمداد کرد. در چنین شرایطی، ایجاد زمینه‌های لازم آموزشی برای حضور هوشمندانه این بخش از جامعه در عرصه فعالیت‌های اجتماعی مجازی که بازخورد آن به فضای حقیقی کشیده می‌شود، الزامی‌ترین مسئله ممکن است؛ بدون زمینه‌سازی‌های آموزشی، این فضا نه تنها مفید نیست، بلکه با انبوهی از تهدیدها روبه‌روست که ممکن است به فضای جغرافیایی هر جامعه در ابعاد گوناگونی، بی‌رحمانه هجوم آورد؛ چه بسا که در ایران، خروجی‌های اجتماعی فضای مجازی در حوزه زنان نشان‌دهنده گستردگی آسیب‌ها در ابعاد مختلف برای این بخش از جامعه باشد.

## مبانی نظری پژوهش

جامعه ایرانی در سالیان اخیر، با جهش‌های اجتماعی گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف مواجه بوده است. در این میان و از نگاه جغرافیای سیاسی، فضای مجازی دارای کارکردهای متفاوتی با اثرگذاری‌های فراوانی بوده و بخشی از این کارکردها به‌طور قطع در خدمت ارتقای سطح فکری و اجتماعی زنان در حوزه‌های مختلف و تقویت شعور اجتماعی آنان بوده است. در چنین جامعه‌ای، با این سرعت تحول‌پذیری، این سطح از نفوذ فضای مجازی در زنان ایرانی را نباید نادیده گرفت و باید آن را در ابعاد متعدد تجزیه و تحلیل کرد.

از بعدی دیگر، این پژوهش از آن نظر اهمیت راهبردی پیدا می‌کند که برخی از صاحب‌نظران اجتماعی، دلایل نفوذ چنین روندی را در زنان ایرانی فقط مربوط به دوره کوتاه‌مدت اخیر نمی‌دانند و آن را محصول رشد گام‌به‌گام در ۵ دهه

اخیر می‌دانند. در جامعه ایرانی، زن به سرعت عوض می‌شود، جبر زمان و وسعت ابزارهای اثرگذار، او را از آنچه هست، دور می‌سازد و همه خصوصیات و ارزش‌های قومیتی‌اش را از او می‌گیرد تا از او موجودی بسازد که می‌خواهد (بل، ۱۳۸۹: ۷). به گفته پارس‌راد، زنان چنانچه در مسائل زندگی آگاهانه برخورد نکنند، چه‌بسا با ریشه مسائل بسیاری در زندگی اجتماعی خود روبه‌رو خواهند شد (جلالی، ۱۳۹۵: ۳۵۹).

این دیدگاه‌ها در کنار دیگر نگاه‌های پژوهشی بیان‌کننده تأثیر زمانی فناوری بر رفتارهای اجتماعی و ایجاد تغییرات گسترده در الگوهای رفتاری در جامعه زنان ایرانی است. علاوه بر آن، روند پژوهش به ما نشان می‌دهد که هم‌زمان با تغییر الگوهای فردی و گروهی زنان ایرانی، بر اثر تمایلات روزافزون این گروه به ابزارهای ارتباطی نامحسوس در فضای مجازی، ذائقه زنان ایرانی را نیز در گروه‌های سنی مختلف دستخوش تغییرات گسترده کرده است.

شبکه‌های مجازی و دنیای دوم انسان‌ها که به‌واسطه فناوری ارتباطات شکل گرفته است، در عصر فعلی به‌مثابه یک کارگزار غیرمعارف عمل می‌کند و با این کارکرد در بروز و ظهور پدیده‌های اجتماعی، فکری و ذهنی بسیار تأثیرگذار شده است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۲). در این میان، اثرگذاری پدیده مجازی و شبکه‌ها بر روی گروه‌های سنتی و به‌اصطلاح محبوس در حصارخانه‌ها بیشتر اثرپذیر بوده‌اند و پژوهش‌ها نشان از اثرپذیری غیرآگاهانه، احساسی و بدون آموزش از معایب و مزایای آن در جامعه زنان ایرانی دارد.

حریم شخصی و خانوادگی گروه مورد اشاره، یعنی سنتی، در معرض تغییرات مستمر بوده و این تغییرات که ناشی از آثار وجودی فناوری‌های نو اینترنتی است، به لحاظ نوع و کیفیت اثرگذاری قابلیت بررسی دارد و نشان می‌دهد که خانواده‌های ایرانی در برابر تغییرات جدید به‌صورت آنومیک عمل می‌کنند که نوعی اغتشاش و بی‌نظمی به حساب می‌آید. برخی‌ها با این تغییرات حرکت می‌کنند و برخی در هراس از نوآوری، به سنت‌ها پناه می‌برند؛ اما نپذیرفتن فناوری‌های نو و تن دادن به مجموعه‌ای از آثار آن، دیگر اجتناب‌ناپذیر شده است (سروری زرگر، ۱۳۹۱: ۵۵).

میزان حضور متراکم و گسترده زنان و دختران ایرانی در فضای مدرن ارتباطی و فعالیت‌های متعدد و متنوع در فضای مجازی، بیانگر تثبیت رویکردهای جدید و عبور گسترده از فضای سنتی در ایران است. بنابر آمار منتشره مرکز آمار اینترنت جهان، شمار فعالان زن ایرانی در اینترنت و فضای مجازی در سال ۲۰۱۷ به نسبت سال ۲۰۰۵ به ۷ برابر رسیده است. در فوریه ۲۰۰۵ میزان کاربران ایرانی ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر اعلام شده بود که تنها ۴۷ درصد آنان را زنان تشکیل می‌داد (خرازی آذر، ۱۳۸۷: ۵) که این رقم در سال ۲۰۱۷ نشان از پیشی گرفتن فعالان زن در ایران نسبت به فعالان مرد در شبکه‌های تودرتوی مجازی دارد.

در این پژوهش، ابعاد ساختارشنکی فناوری ارتباطات و آثار مثبت و پیامدهای مخرب آن در دو بخش مجزا بررسی شده است. در این دوران متعلق به فناوری‌های ارتباطی، ظهور ابزار ارتباطی متنوع با محوریت اینترنت، تأثیر بسیار زیادی بر تغییر الگوهای زندگی زنان و جایگزین کردن روش‌های جدید در ساختار ذهنی آنان داشته است. رسانه‌های متنوع در فضای مجازی با برخورداری از ویژگی‌هایی متفاوت نسبت به تلویزیون، رادیو و مطبوعات چاپی، انتخاب‌های متفاوت و متنوعی را برای هر فرد فراهم کرده است. این تنوع اختیار، ضمن اینکه فرصتی برای رشد و آگاهی برای همه گروه‌های انسانی فراهم ساخته، از آن سو، تهدیدهای بی‌شماری را هم در مسیر کاربران گسترده خود قرار داده است. تهدیدهای هر گروه انسانی در جای خود، محل بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل عمیق است. اما میزان آسیب‌پذیری گروه‌های زنان خاص است و در هر کشوری متناسب با ساختار و بافت فرهنگی حاکم بر آن کشور و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن جغرافیای سیاسی متفاوت است. این پژوهش برای رسیدن به تجزیه و تحلیلی دقیق، تمرکز خاصی به این بخش خواهد داشت.

اما مهم‌ترین نکته در اهمیت راهبردی این پژوهش، انتخاب نحوه ارتباط مخاطب و ایجاد رابطه تعاملی و تقابلی میان دو جریان شناخته‌شده فرستنده و گیرنده پیام (از انواع شکلی، نوشتاری، تصویری، محرکی و موضوعی)، به‌ویژه ایجاد ارتباط میان مخاطبان است (جلالی، ۱۳۹۵: ۸۹).

فضای مجازی به دلیل اثرگذاری بی‌واسطه، مورد توجه خاص است. این فضا در حوزه کارکردی نیز همین ذهنیت عدالت‌محورانه را از خود به‌جای گذاشته است؛ چیزی که در عالم حقیقت برای سده‌های متمادی در حد شعار باقی مانده است. عدالت در عرضه خدمات در فضای مجازی از اصلی‌ترین عوامل اشتیاق‌زا در زنان برای پذیرش این دنیای متفاوت و پیچیده (دنیای دوم) است (بل، ۱۳۸۹: ۱).

مزیت دیگر فضای مجازی برای کاربران زن ایرانی در عرضه خدمات آموزشی رایگان و بدون حضور فیزیکی است. بررسی این ویژگی فضای مجازی هم عاملی دیگر برای اهمیت بخشیدن به این پژوهش است. امروزه آموزش بدون هزینه یا به اصطلاح آموزش مجازی، بیش از ۷۰ درصد فضای آموزش عمومی را به‌خود اختصاص داده است؛ این تنها یک بخش از ویژگی‌های جذاب این فضا برای مخاطبان زن ایرانی است. ایجاد فضای کسب‌وکار بدون رعایت قید زمان و اعمال نظارت‌های حقیقی حد تأثیر گسترده‌ای در تولید نمادهای خوداشغالی برای افراد در فضای مجازی را با کمترین هزینه فراهم آورده و اقتصاد مجازی را تولید و گسترش داده است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۳۷-۱۳۸).

بررسی‌های متعدد پژوهشی نشان می‌دهد که ابزار نو ارتباطی به‌مثابه شمشیر دولبه عمل می‌کند و هر دولبه برندگی خاص خود را دارد. اگرچه پذیرفتنی است که هزاره سوم عصر انتقال اطلاعات و تبادل اطلاعات است و این وسایل هم از قبیل اینترنت، ایمیل، چت و انواع شبکه‌های مهارنشده مجازی همانند واتساپ، تلگرام و... یک نوع ابزار انتقال اطلاعات مؤثر به‌شمار می‌آیند، اثرگذاری آنها بر روی اکثر کاربران، به‌ویژه زنان، به‌لحاظ داشتن احساسات، بیشتر است و بنابراین، در معرض خطرهای آسیب‌های آن قرار دارند. البته سرعت انتقال اطلاعات و دسترسی سریع، آسان و ارزان این ابزار را می‌توان جزء ویژگی‌های مطلوب و محاسن آن برشمرد و اذعان کرد که این ابزار فاصله‌های زمانی و مکانی را از بین برده است و در انتقال مطالب آموزشی بسیار مفید بوده است. این موضوع به بحثی جدید در مباحث ژئوپلیتیکی با عنوان ژئوپلیتیک اطلاعات مبدل شده است. ژئوپلیتیک اطلاعات فرایند فروپاشی ساختار فرهنگی را که بر اثر پدیده آنومیک یا همان اغتشاش ذهنی به‌وجود آمده است، در جوامع انسانی تجزیه و تحلیل می‌کند و به آثار و تبعات فضای مجازی بر جغرافیای ارزش‌ها و هنجارهای درون سرزمینی توجه می‌کند. امروزه بحث درباره گردش اطلاعات در جوامع مختلف و قدرت‌های پنهان و آشکار کنترل‌کننده آن و همچنین میزان اثرگذاری آن بر انبوه مخاطبان انسانی خود، یکی از مباحث ژئوپلیتیک اطلاعات یا سیاست جغرافیایی اطلاعات است.

### بازنمایی تأثیر رسانه‌های مجازی بر تفکیک جنسیت

بی‌هویتی، بحران هویت و اختلال شخصیت، فریب و بهره‌کشی جنسی، انتقال اطلاعات غیرصحیح، سوءاستفاده از اطلاعات شخصی و پروفایل، دوستی‌های بدون مرز و ضابطه، گسست فکری و عاطفی در بین اعضای خانواده و گریز از واقعیت را از جمله معایب این ابزار می‌توان برشمرد. در این زمینه و کمیت و کیفیت آثار مخرب ذهنی، رفتاری-فردی و اجتماعی فضای مجازی نظرها و دیدگاه‌های متعددی در ایران و دنیا بیان شده است. اثبات نظری اثرگذاری مخرب فضای مجازی، بسیاری از دولت‌ها را به تکاپو انداخته است تا با بهره‌گیری از قوانین سخت‌گیرانه فضای موجود را مدیریت و از گسترش دامنه آثار تخریبی آن ممانعت به‌عمل آورند. جلالی‌راد یکی از صاحب‌نظران درباره این پدیده معتقد است که «زنان بی‌شماری در جامعه ایرانی به‌واسطه حضور در فضای مجازی توانسته‌اند محدودیت‌های گذشته را زیر پا

گذاشته و از این طریق ارتباط بیشتری با جامعه پیدا کنند. اما آنچه قابل ذکر است، عدم شفافیت در رفتارها در فضای مجازی است (www.ea.wanet.ir).

این فضا شرایطی را فراهم آورده که بسیاری از افراد با مشخصات غیرواقعی و ارائه تصویری غیرشفاف مانند اسم، تصویر روز، سن، شغل و موقعیت جغرافیایی استقرار، به روابط کوتاه مدت متغیر و به طور عمد غیرحرفه‌ای دست بزنند یا در ابعادی دیگر، به سرقت‌های اطلاعاتی و مصادره عناوین بپردازند.

این گونه تحلیل‌ها بازخوردی از بازنمایی تأثیر رسانه‌های مجازی با محوریت اینترنت بر تفکیک جنسیتی و پیامدهای خاص آن است (صادقی، ۱۳۹۵: ۳۹). به همین دلیل، درک این ضرورت از راه پژوهش‌های مبسوط دانشگاهی و بررسی ابعاد مختلف آن و همچنین آثار این پدیده نوظهور و جذاب بر شیوه رفتاری جنس زنان در ایران امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا از نگاه مکتب کارکردگرایی جغرافیایی، هر پدیده‌ای که توان اثرگذاری ژرف بر انسان‌های ساکن در یک قلمرو (چه مثبت و چه منفی) را داشته باشد، ماهیت سیاسی، جغرافیایی-فرهنگی و هویتی پیدا می‌کند؛ برای مثال، یکی از نقش‌های زایشی در خصوص این موضوع را می‌توان در نمودار دایره‌ای شکل ۱ مشاهده کرد یکی از نهادهای رسانه‌ای معتبر کشور ارائه کرده است.



شکل ۱. اختلال‌های روانی کاربرد فضای مجازی (مرکز پژوهش‌های خبری معاونت سیاسی صدا و سیما)

بنابراین، در این مقاله با مبنا قرار دادن اساس آثار مکانی موضوع پژوهش و آثار و پیامدهای آن در جغرافیای سیاسی بررسی شده است.

### روش پژوهش

این پژوهش متکی بر یافته‌های استدلالی از قبل بررسی‌های میدانی، تحقیقات پژوهشی و راندمان‌های مستخرج از داده‌های پرسشنامه‌ای و مصاحبه‌های محدود است. بنابراین، در این پژوهش برای دستیابی به یافته‌ای مطمئن‌تر، از روش پیمایشی برای بررسی نگرش پاسخگویان استفاده شده است. جامعه آماری، دانشجویان و کارکنان دانشگاه تهران بودند که در زمان این پژوهش در دانشگاه حضور داشتند و همچنین روش مورد نیاز در این پژوهش، ابزار پرسشنامه با ۲۴

پرسش بسته بود که در آنها از مقیاس اسمی و ترتیبی استفاده شد. پرسشنامه پس از تنظیم در میان دانشجویان و کارکنان توزیع و پاسخ‌ها به روایت مطالب مندرج تجزیه و تحلیل شد. همچنین در این پژوهش تلاش شده است با استفاده از تحلیل نشانه‌شناسی سه‌سطحی مبتنی بر روش رولان بارت و بهره‌گیری از ۳ عامل عناصر نشانه‌شناسی و اسطوره و نیز دیدگاه‌های نشانه‌شناختی درباره هنر اینترنت، به پژوهش پرداخته شود. اما در این مقاله به دلیل ماهیت موضوع، بیشتر تمرکز بر دوره ساختگرایی بارت بوده است تا کارکرد دانش نشانه‌شناسی در مطالعات فضای مجازی از منظر «رولان بارت» ارزیابی شود؛ زیرا اینترنت یکی از بانفوذترین فناوری‌های نرم در مغز انسان‌های امروزی است که کارکرد چندجانبه بسیار پیدا کرده است؛ نفوذ آن در تمام ابعاد زندگی بشری نیز به‌طور کامل اثبات شده است.

آثار این فناوری از خود عظمتی خلق کرده که به‌طور تقریبی در همه ابعاد حیات فردی و جمعی کاربران خود اثر گذاشته است (محمدی، ۱۳۹۵: ۱۵). از طرفی دیگر، این فناوری با خارج کردن فاصله‌های فیزیکی از زندگی انسان‌ها و اتصال مرزهای فکری به هم، توانایی متفاوتی را برای انسان در ارتباط‌گیری فراهم کرده است (ارکان، ۱۳۸۶: ۱۵). همچنین، این فضای نو فاصله طبقاتی میان دانا و غیردانا را کاهش داده است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۸)؛ اما این همه ماجرا نیست، به جرئت می‌توان گفت که فضای مجازی به دلیل ساختار پیچیده‌ای که دارد، یک دنیا فرصت و بی‌نهایت تهدید در پی خود داشته و با گذشت زمان، بعد تهدیدها در این فضا پیچیده‌تر شده است. بنابراین در روش‌شناسی، روش «بارت» کمک شایان توجهی به فهم موضوعات مطرح در مقاله خواهد کرد.

براساس روش «باروت» اینترنت به‌مثابه سرمنشأ فضای مجازی را می‌توان دانشی در نظر گرفت که علاوه بر ویژگی‌های فنی، به بررسی جایگاه نشانه‌ها در زندگی جامعه امروزی می‌پردازد. این دانش را می‌توان بخشی از روان‌شناسی اجتماعی عمومی خواند که به مفهوم نشانه‌شناسی<sup>۱</sup> در هر قلمرو جغرافیایی به شیوه خاص خود اثر می‌گذارد (شفیعی، ۱۳۸۴: ۳۵). در اینجا است که نشانه‌شناسی خاص در حوزه فضای مجازی برای ما مشخص می‌سازد که نشانه‌ها از چه تشکیل شده‌اند؟ و چه قوانینی بر آنها حاکم است؟ تا به‌واسطه آن، دولت‌های سرزمینی در فضای حاکمیتی خود بتوانند این فضا را به‌نفع ارتقای سطح زندگی و مهار ناهنجاری‌ها در حوزه‌های مختلف مدیریت کنند.

## بحث نظری و یافته‌ها

### فضای مجازی و ویژگی‌های آن

اساساً مهم‌ترین تغییر جهان، ظهور جهان جدیدی است که می‌توان آن را جهان مجازی نامید. این جهان در واقع به موازات و گاه مسلط بر جهان واقعی ترسیم می‌شود و عینیت پیدا می‌کند. گسترش فناوری‌های جدید با شکل‌گیری فضاهای مجازی همراه شده است؛ فضاهایی با هویت و کارکردی متفاوت از فضاهای ملموس گذشته که ارزش‌ها، مفاهیم و باورهای گذشته را به‌نحوی بازنویسی می‌کنند. بشر جدید در مواجهه با چنین فضای جدیدی در پی افزایش ارتباط با خود، جست‌وجوی اطلاعات و دستیابی بیشتر به دانش است (بودریار، ۱۳۸۳: ۱۶). در جهان واقعی، قدرت انتخاب افراد، همواره تحت تأثیر عواملی چون جبر مکان، زمان، فرهنگ، حکومت و... محدود بوده است؛ اما در جهان مجازی، مرزهای محدودکننده از میان برداشته می‌شود و فرد در مقیاس جهانی با گزینه‌های فراوانی برای انتخاب روبه‌روست (www.hccmr.com).

### آثار و پیامدهای ناشی از ظهور رسانه‌های چندوجهی

از ظهور رسانه‌های چندوجهی زمان چندانی نمی‌گذرد. رسانه‌های چندوجهی که کارکردهای چندمنظوره‌ای هم دارند، حاصل توجه بنیادی بشر به نسل چهارم فناوری، یعنی فناوری ارتباطات و اطلاعات‌اند و در حال حاضر از بانفوذترین ابزار ارتباطی در جهان به‌شمار می‌آیند. این رسانه‌های چندکارکردی توانسته‌اند در اعماق ذهن انسان‌ها نفوذ کنند. بدون تردید، همه ملت‌ها پذیرفته‌اند که با ظهور رسانه‌های چندوجهی وارد دنیای متفاوتی نسبت به گذشته شده‌اند. در عصر اطلاعات، قدرت یک ملت از میزان توانایی‌اش در استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای برای تنظیم تصویر بین‌المللی خود ناشی می‌شود و شأن یک ملت در دنیا و جایگاهش در سلسله‌مراتب سیاسی جهانی، به توانایی دیپلماسی رسانه‌ای آن گره خورده است. ملتی که خواهان فرهنگ‌مندی و جایگاه باارزش در عرصه بین‌المللی است، باید قادر به هماهنگی دیپلماسی رسانه‌ای باشد. اساساً ملت‌هایی که فناوری ارتباطی بیشتری دارند، نفوذ بیشتری بر جریان اطلاعات جهانی و نیز ساخت تصویر بین‌المللی از خودشان دارند. از سویی دیگر، در عصر کنونی، روابط بین کشورها را تنها حاکمیت‌ها تعیین نمی‌کنند، بلکه مجموعه دولت‌ها، افکار عمومی و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، معادلات روابط بین‌الملل را می‌سازند (پارسی‌راد، ۱۳۸۲: ۴۹). در این زمینه، رسانه‌ها با به‌کارگیری روش‌ها سهم بسزایی دارند.

اما جوامعی که ساختار فضای سیاسی آنان براساس مجموعه‌ای از هنجارهای تاریخی، فرهنگی-سنتی و درنهایت مذهبی شکل گرفته است، به‌رغم اقبال گسترده مردمان این سرزمین‌ها از فناوری‌های نو ارتباطی، با گستره وسیعی از پیامدها و نگرانی‌ها مواجه شده‌اند. کشور ایران از جمله کشورهایی است که نگاهی توأم با تهدید و نگرانی به گسترش فضای مجازی و رسانه‌های مجازی در جامعه ایرانی دارد. در این میان، بیشترین نگرانی‌ها معطوف به جامعه زنان در ایران است که هم از نگاه اجتماع بافرهنگ ایرانی و هم براساس تعالیم دین اسلام، ناسازگاری‌های متعددی با شیوه گسترش و بهره‌برداری از فضای مجازی را ایجاد کرده است. همین موضوع سبب می‌شود که در کنار مزایای ملی و بین‌المللی فضای مجازی، مروری بر سازه‌های هنجارشکن این فناوری در زنان ایرانی در این مقاله داشته باشم تا در نتیجه‌گیری بتوان به اهداف مقاله نایل آمد.

### جایگاه زن در هنجار فرهنگ ایرانی

به داده‌های تاریخی مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران باستان که نگریسته می‌شود، زمانی که آن را با دیگر فرهنگ‌های هم‌زمانش برابر می‌کنیم، به‌روشنی درمی‌یابیم که به‌راستی ایرانیان بیش از دیگر مردمان و فرهنگ‌های جهانی به کانون خانواده و همسر پایبند بوده‌اند و به آن اهمیت بسیاری می‌داده‌اند.

در سنگ‌نگاره‌های باستانی، بانوان ایرانی از پوششی زیبا و باشکوه برخوردار بوده‌اند که خود نشان‌دهنده جایگاه والای آنان است. بانوان در ایران باستان افزون‌بر خانه‌داری و یاری‌رسانی به همسران خود، در کارهای فرهنگی نیز شریک بوده‌اند. همسر فردوسی بزرگ، نمونه‌ای از آنان است که بنابر گفته فردوسی، همسرش داستان‌ها را از دفتر پهلوی می‌خوانده و فردوسی به شعر درمی‌آورده است و یکی از مشوقان فردوسی در به‌نظم درآوردن شاهنامه بوده است که همانا بزرگ‌ترین خدمت به فرهنگ ایران است.

بخواند آن بت مهربان داستان  
ز دفتر نوشته گه باستان  
مرا گفت کز من سخن بشنوی  
به شعر آری از دفتر پهلوی

### جایگاه زن در اسلام

مسلم است که اسلام، براساس آموزه‌های قرآنی، جایگاه و منزلت والایی را برای زنان در نظر گرفته است. جایگاه زن در قرآن در موارد متعددی بالاتر از جایگاه مردان دیده شده است. در کتاب آسمانی قرآن، زنان انسان‌ساز معرفی می‌شوند و

به‌واسطه این رسالت بزرگ، نقش خطیر زنان در پرورش انسان‌ها به اصلی انکارناپذیر در آموزه‌های قرآنی و اسلامی مبدل شده است. اما مهم‌ترین نکته در تبیین جایگاه زنان در اسلام، مخالفت شدید با نقش ابزاری زنان در جوامع انسانی است. زیرا اعتقادی که در قرآن وجود دارد، این است که اگر ماهیت اعتباری و ارزشی زن از وی سلب شود، بنیان خانواده و تعلیم و تربیت انسان‌های واقعی از هم پاشیده می‌شود.

از این رو، زن در نگاه دین اسلام هم‌پای مسئولیت‌های مردان در تکامل مردان برای نیل به جامعه‌ای سالم نقش اساسی دارد. از نگاه اسلام، زنان سبب تقویت بنیان‌های اجتماعی‌اند و ملت‌های با اصالت را تقویت می‌کنند. به‌گواه تاریخ، زنان در صدر اسلام پایه‌پای مردان در رکاب جهاد و مبارزه بودند.

### تعارض‌های ساختاری

دین اسلام با توجه به شأن و منزلتی که برای زنان قائل است، ارزشی که برای زن در نظر دارد، بیشتر از مردان است. زنان با پرورش فرزندان در دامن خود، مردان شجاع و بزرگ تحویل جامعه می‌دهند. قرآن کریم انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز. یکی از وظایف مهم آنان انسان‌سازی است و اگر از ملت‌ها گرفته شوند، جامعه به انحطاط کشیده خواهد شد و شکست خواهد خورد و منحل خواهد شد. زنان ملت‌ها را تقویت و شجاعت را در جامعه خلق می‌کنند. بانوان از صدر اسلام تا به امروز، پایه‌پای مردان مبارز در میدان جهاد و مبارزه بوده‌اند و حتی در موارد متعدد در رکاب با مردان در جنگ‌ها هم شرکت داشته‌اند؛ از این رو مقام زن والاست. آنان در اسلام از مقامی شامخ و مرتبه‌ای عالی برخوردارند. امام خمینی (س) در دیدگاه‌ها و نوشته‌های متعدد به جایگاه معنوی و انسان‌ساز زن اشارات فراوانی داشته‌اند که مباحث زیر از مهم‌ترین این دیدگاه‌هاست. ایشان در جایی می‌فرمایند: «بانوان در اسلام پایه هستند، ما می‌بینیم و دیدیم زن‌ها، هم‌دوش مردان، بلکه جلوی مردان در صف قتال ایستادند، بچه‌های خودشان را از دست دادند، جوانان خودشان را از دست دادند و شجاعانه مقاومت کردند. ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت خودش باقی بماند، نه ملعبه در دست مردها باشد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۷۴: ۱۰۳-۱۰۲). «زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد. در جمهوری اسلامی ایران، همان طوری که مردان حق رأی دارند، زنان نیز حق رأی دارند. زنان را در این دوره اخیر منحل کردند. از خیانت‌های بزرگی که به ملت ما شد، این بود که نیروی انسانی ما را از دست ما گرفتند، نیروی جوانان ما را به عقب راندند، نیروی بانوان ما را به عقب راندند، بانوان ما را منحل کردند، خیانت کردند بر ملت ما، بانوان ما را ملعبه کردند، مثل عروسک کردند، بانوان ما جنگجو بودند، آنها که زن‌ها را می‌خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوان‌های فاسد قرار دهند، خیانتکارند. زن‌ها نباید گول بخورند، زن‌ها گمان نکنند که این مقام زن است. زن باید شجاع باشد و در مقررات اساسی مملکت دخالت بکند. زن آدم‌ساز و مربی انسان است» (مسعودی، ۱۳۸۱: ۱۵).

اسلام تنها ملاک برتری را میان انسان‌ها، تقوا و ارزش‌های معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است. خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عند الله اتقاکم»؛ «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» (حجرات: ۱۳).

### شبکه‌های اجتماعی مجازی

شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی، محصول فناوری‌های وب ۲ هستند. وب ۲ به آن دسته از فناوری‌هایی گفته می‌شود که امکان مشارکت کاربر در تولید محتوا و به اشتراک‌گذاری اطلاعات شامل متن، عکس، فیلم، لینک، فایل و هرگونه داده دیگر را فراهم می‌آورد. فناوری‌های وب ۲ امکان تعامل گسترده میان کاربران اینترنت و تبادل سریع و گسترده اطلاعات میان آنان را میسر می‌سازند. وب ۲ دنیای کندهای کاربران در محیط‌های مجازی است و شبکه‌های اجتماعی



فضای مجازی، بخشی از فناوری‌های وب ۲ محسوب می‌شوند که درون آنها، تعاملات کاربران و امکان ایجاد حلقه‌های دوستی، گروه‌های ارتباط افقی و سفارشی شدن صفحات وب فراهم می‌شود (ضیائی پور و ساعدی، ۱۳۹۵: ۹۵).

### جنسیت و مسائل جنسی

نخستین موضوع مهم، دسترسی است؛ چه تعداد از زنان به دنیای الکترونیکی شده دسترسی دارند؟ باید این موضوع را با توجه به وضعیت طبقاتی و نژادی زنانی که دسترسی دارند و زنانی که دسترسی ندارند، بررسی و در آن مذاقه کرد. موضوع دوم، جایگاه زنان در ساخت فناوری به مثابه ابزار نوآوری فنی و تغییر است. منتقدان فمینیست فناوری (مانند وایسمن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳) خاطرنشان کرده‌اند که زنان نه تنها حقوق برابری برای دسترسی به فناوری پیشرفته ندارند، بلکه به ندرت در طراحی و تحقیقی دخیل‌اند که این فناوری را به وجود می‌آورد. برخی ساختارگرایان اجتماعی (مانند بایکر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵) معتقدند که از زنان ممکن است به مثابه نیروی کار ارزان در کارخانه یا آزمایشگاه بهره‌برداری شود (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۲)؛ اما آنان سهم اندکی در چگونگی به پایان رسیدن طراحی و چگونگی در اختیار آمدن فناوری دارند. سومین موضوع مهم، بازنمایی است. بازنمایی زنان به مثابه متأخران فنی، موجودات فقط مناسب مسائل جنسی و کاربرانی متصل به معادلات قدرت جنسیت‌شده از دنیای واقعی را تقویت می‌کند. فراخوان‌های فمینیستی دریافته‌اند که کلیشه‌های دنیای واقعی در اینترنت نیز فراگیر شده‌اند (نایار، ۱۳۹۴: ۷۳) و حتی فراتر، ماندگارتر از دنیای واقعی به آنجا کشیده شده‌اند. این نکته نشان می‌دهد که حتی فضای سایبر به اندازه دنیای واقعی جنسیتی شده است. بنابراین، فمینیست‌های سایبر با این اطمینان که این فناوری برای استفاده آنان مناسب است، در پی زانه ساختن فضای سایبرند. فمینیست‌های سایبر می‌خواهند با بازنمایی خود در فضای سایبر، با کنترل هویت‌های برخط خود و با صداقت در مسائل و روابط جنسی خود، سلسله مراتب قدرت را به هم بریزند (عاملی، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۵).

### زنان و فضای سایبر

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی نیز فناوری‌های جنسیتی شده‌اند. نظریه فرهنگی فمینیستی، هم مجذوب دیدگاه‌های حاصل از انقلاب دیجیتال شده و هم آنها را پس زده است. تغییر زمان و فضا، قابلیت بالقوه برای تشکیل گروه، امید به «آزادی‌های» فضای سایبر، شکل‌های جدید هویت و نظارت و تهدید به تعرض و بهره‌کشی، ویژگی‌های فناوری جدیدی‌اند که پیامدهای مادی بسیار عینی برای زنان دارند (قهرودی و آذری، ۱۳۸۹: ۲۷۶). در کنار حضور گسترده دختران و زنان در فضای مجازی، سلب امنیت از این قشر را شاهدیم؛ اتفاقی که در سطح جهانی نیز برای فعالان حقوق بشر نگران‌کننده است. کلاهبرداری اینترنتی، آزار جنسی، انتشار تصاویر خصوصی و تحقیر شخصیت از جمله خشونت‌هایی است که در فضای مجازی، به ویژه اینترنت، علیه جنس مؤنث شاهدیم (فانز، ۲۰۰۵: ۷۸). از سویی دیگر، مانوئل کاستلز اعتقاد دارد که شبکه‌های اجتماعی مجازی عملکرد بسیار مهمی در کاهش تعهدات زناشویی زوجین دارند؛ به طوری که پرسه‌زنی زوجین در شبکه‌های مجازی، آنان را از مهم‌ترین مسئولیت زناشویی غافل کرده، به دنیای جدیدی با قابلیت‌های نامحدود وارد می‌کند. از نظر کاستلز، به دلیل گسترش روزافزون ارزش‌های مدرن، ارزش‌های زوجین مدام در حال تغییرند و امکان تعامل بین دو جنس از راه فضای مجازی افزایش یافته است و این امر سبب غفلت زوجین از مهم‌ترین تعهدات مربوط به زناشویی شده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۲).

## توجیه اهداف پژوهش

امروزه رسانه‌های اجتماعی به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی بسیاری از مردم و به‌ویژه زنان تبدیل شده‌اند. فضای مجازی ممکن است واجد کارکردهای متفاوتی برای زنان، مانند ارتباطات، تحصیل، تفریح و سرگرمی و تسهیل امور مرتبط با زندگی شخصی و عمومی باشد. در واقع، زنان با وارد شدن به دنیای اینترنت، شکل دیگری از حضور در اجتماع مدرن و امروزی را تجربه می‌کنند. شتاب اعجاب‌آور و رشد تصاعدی و همه‌گیری شبکه‌های اجتماعی، لزوم پژوهش در آثار و پیامدهای اجتماعی آن را نشان می‌دهد که دربارهٔ زنان موضوع قدری عمیق‌تر است. زنان که به‌طور معمول به‌دلیل نگاه سنتی حاکم بر جایگاه زن در جوامع، همیشه با محدودیت‌هایی در تعاملات اجتماعی مواجه بوده‌اند، شکل جدیدی از تعامل با دیگران و کسب هویت اجتماعی را در شبکهٔ جهانی اینترنت تجربه می‌کنند. در واقع، اینترنت و فضای وب یکی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌گیری و بازنمایی هویت زنان در جوامع جدید است که به‌نوعی برای زنان، فرصت خودگشودگی فراهم می‌آورد تا بتوانند استعدادها، مهارت‌ها و دیدگاه‌های خود را به جامعه عرضه کنند و تصویر جدیدی از هویت جنسیتی خود نشان دهند که این امر از منظر جامعه‌شناختی بسیار اهمیت دارد.

در این زمینه، لوردس آریزپ ۴ اصل را برای مداخله‌های فمینیستی در رشد و فرهنگ سایبر بیان می‌کند: اول، زنان را نباید در پس شکاف بین آنهایی که به فناوری‌های جدید ارتباطاتی دسترسی دارند و آنهایی که ندارند، رها کرد؛ دوم، زنان باید عاملانی فعال در کسب اطمینان از این باشند که قابلیت برجستهٔ فناوری‌های ارتباطاتی، به‌جای اینکه انحصارهای کنونی قدرت را تقویت کنند، برای افزایش رفاه انسانی جهت‌گیری شده است؛ سوم، معانی فرد باید امروز خلق شوند و زنان به‌ویژه زنان جوان، اکنون آزادی بیشتر روحی و تجربه برای خلاق بودن دارند (هنرپروران و رفاهی، ۱۳۸۵: ۱۲)؛ چهارم، امکانات جدیدی که شکل‌های جدید ارتباط و بیان را برای ما به‌وجود آورده، وحشت‌آور است؛ این بستگی به ما دارد که آنها را برای دانش و کنش مکان-محور خود ناپوشی کنیم. این درخواستی نیرومند از زنان برای عمل به‌مثابهٔ «عاملان فعال» در شکل‌دهی به فرهنگ سایبر و برای پیگیری آن با سیاست فمینیستی بازنمایی می‌کند که در زندگی واقعی ریشه دارد (بل، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

بنابراین، آنچه توجیه اهداف این پژوهش را ضروری می‌سازد، موارد ذیل است:

۱. به‌نظر می‌رسد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به افزایش اطلاعات عمومی زنان کمک می‌کنند.
۲. به‌نظر می‌رسد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند منجر به ایجاد فضای عمومی به‌نفع زنان شوند.
۳. به‌نظر می‌رسد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند سبب افزایش سطح آگاهی و دانش زنان شوند.
۴. به‌نظر می‌رسد استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و عضویت در کانال‌ها موجب می‌شود زنان خود را عضوی از جامعهٔ اطلاعاتی بدانند.

۵. به‌نظر می‌رسد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند سبب کاهش انزوای اجتماعی زنان شوند.

۶. به‌نظر می‌رسد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند سبب افزایش حضور زنان در مشارکت‌های اجتماعی شوند.

۷. به‌نظر می‌رسد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند سبب ارتقای سطح فکری و اجتماعی زنان شوند.

۸. به‌نظر می‌رسد بین فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و افزایش حس اعتمادبه‌نفس و استقلال زنان رابطهٔ

معناداری وجود دارد.

۹. به‌نظر می‌رسد فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به تحرکات اجتماعی بیشتر زنان در جامعه منجر

شوند.

### فضای مجازی و آسیب‌های آن

فضای مجازی به سبب قدرت فراوان، گستره پوشش و کارکردهای متنوع در حوزه‌های اخلاق فردی و اجتماعی، اثری عمیق و انکارناپذیر برجا می‌گذارد. دانشمندان علوم اجتماعی این رسانه‌ها را در ردیف اول اجتماعی کردن و شکل دادن شخصیت افراد جامعه می‌دانند و بر این عقیده‌اند که رسانه‌های جمعی می‌توانند هنجارهای اجتماعی را تقویت یا تضعیف کنند (قهرودی و آذری، ۱۳۸۳: ۱۱۲). عاملی معتقد است جهان مجازی به موازات و گاهی مسلط بر جهان واقعی ترسیم می‌شود و عینیت پیدا می‌کند و این دو جهان یک رابطه انعکاسی دارند (۱۳۸۸: ۲۳۶). به تعبیر کاستلز در این زمینه، زمان و فضای تازه‌ای به وجود می‌آید که باید از آن به زمان و فضای «مجاز واقعی» یاد کرد. در این فضا، مرز بین «واقعیت و حقیقت»، «بود و نبود» و «آنچه هست و آنچه گفته می‌شود که هست» به میزان زیادی کمرنگ می‌شود و شاهد آن هستیم که «مجاز»ها بر «واقعیت»ها مسلط شده، حتی «واقعیتی» بیش از آنها پیدا می‌کند؛ به همین دلیل، کاستلز شاخصه اصلی «جامعه شبکه‌ای سده بیست و یکمی» را آن می‌داند که «فرهنگ زمان مجازی... (پدیده) بنیادینی (است) که وجه بارز جامعه شبکه‌ای محسوب می‌شود» (ساندرز، ۱۳۸۰: ۲۰). (عبارت درست است)

### بحث دوم و یافته‌های متفاوت پژوهش میدانی

بحث دوم پژوهش بیشتر متأثر از نتایج و خروجی به دست آمده از نگرش جامعه آماری است که در این مقاله هدف پژوهش قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، مراجعه به نتایج نموداری پژوهش صورت گرفته توسط مرکز پژوهش خبری صدا و سیما (که نمونه آن در آخر این بخش از پژوهش به کار گرفته شده است)، به یافته‌های نهایی کمک کرده است.

به اعتقاد کریستمن و راجرسون (۲۰۰۴) که دو تن از پژوهشگران برجسته در حوزه جرم‌شناسی به شمار می‌آیند، ترس از قربانی شدن موجب احساس ناامنی می‌شود و اثر مستقیمی بر زندگی فرد دارد. بنابراین، با گسترش استفاده از فضای مجازی در میان کاربران زن ایرانی، زندگی روزمره و عادی میلیون‌ها ایرانی، به ویژه جامعه زنان، تحت تأثیر مستقیم این پدیده قرار گرفته و مسیر هنجارها و ارزش‌های گذشته و سنتی به طرز شایان توجه و نگران‌کننده‌ای تغییر پیدا کرده است. این پژوهش در نهایت، به دنبال پی بردن به این موضوع بوده است که نتیجه به دست آمده درباره این موضوع نشان می‌دهد ابعاد آسیب‌پذیری و غفلت‌های بی‌شمار در این فضا بسیار گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آنی است که با چشم ظاهر دیده می‌شود و این فضا دست کم در چند مورد موجب سوءاستفاده از زنان ایرانی شده است.

از بررسی مشخصات فردی جامعه آماری مشخص شد که از نظر جنسیت ۷۰ درصد از پاسخگویان زن و ۳۰ درصد مرد بودند؛ همین‌طور ۶۳ درصد در مقطع کارشناسی، ۳۳ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۳۰ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند که از این جمعیت آماری، سن ۴۶ درصد بیش از ۲۸ سال، ۳۰ درصد بین ۱۸ تا ۲۳ سال و نیز ۲۳ درصد بین ۲۳ تا ۲۸ سال بود که ۹۳ درصد از این جمعیت، از فضای مجازی به مثابه یک ابزار استفاده می‌کردند و ۴۶ درصد از این جمعیت معتقد بودند که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تاحدزیادی بر افزایش اطلاعات عمومی زنان مؤثر است و ۴۳ درصد معتقد بودند در حد بسیار زیاد و ۶ درصد در حد متوسط و فقط ۵ درصد معتقد بودند فضای مجازی در افزایش اطلاعات عمومی زنان کمکی نمی‌کند. درصد شایان توجهی با پاسخ‌های مبهم، بیان‌کننده این واقعیت بودند که فناوری ارتباطات با توجیه فضای مجازی به گونه‌ای آنان را وابسته به خود کرده است که امکان دل‌کندن از این شرایط جدید دیگر فراهم نیست؛ بلکه از دست دادن آن، مصیبتی بزرگ به حساب می‌آید. از سویی دیگر، ۵۰ درصد نیز موافق بودند که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند منجر به ایجاد فضایی عمومی به نفع زنان باشند و ۳۶ درصد به طور کامل موافق و نیز ۱۳ درصد مخالف این موضوع بودند. از این جامعه آماری، ۵۶ درصد نیز موافق و ۴۳ نیز

به‌طور کامل موافق بودند که فضای مجازی سبب افزایش سطح آگاهی و دانش زنان می‌شود و هیچ‌کس با این مورد مخالفت نکرد.

درخصوص اینکه استفاده از فضای مجازی و عضویت در کانال‌ها سبب می‌شود زنان خود را عضوی از جامعه اطلاعاتی ببینند، ۵۶ درصد موافق و ۲۰ درصد به‌طور کامل موافق و ۲۳ درصد مخالف بودند. همین‌طور، در این زمینه که فضای مجازی سبب کاهش انزوای اجتماعی می‌شود، ۴۰ درصد موافق، ۳۳ درصد مخالف و ۲۶ درصد به‌طور کامل موافق بودند. از این جمعیت، ۶۰ درصد موافق و ۲۳ درصد به‌طور کامل موافق و ۱۶ درصد مخالف این بودند که فضای مجازی سبب افزایش حضور زنان در مشارکت‌های اجتماعی می‌شود و با عبارت «استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سبب ارتقای سطح فکری و اجتماعی زنان ایران می‌شود»، ۶۳ درصد موافق، ۳۰ درصد به‌طور کامل موافق و ۶ درصد مخالف (حذف شود. تکراری است) ۵ درصد نیز به‌طور کامل موافق و ۴۰ درصد موافق و ۱۰ درصد مخالف افزایش اعتماد به نفس در زنان با استفاده از فضای مجازی بودند و ۶۰ درصد نیز موافق این بودند که فضای مجازی به تحرکات بیشتر زنان منجر می‌شود و ۲۶ درصد به‌طور کامل موافق و ۱۳ مخالف آن بودند.

در اثبات اثرگذاری فرایندها می‌توان به پژوهش‌های زیادی در این زمینه اشاره کرد. پترسون (۱۹۹۲) معتقد به اصل توانمندسازی زنان در عرصه‌های اجتماعی است؛ اما اعتقاد بر مبهم بودن کارکردهای فناوری ارتباطی داشته، اذعان می‌دارد که این فناوری به دلیل ماهیت دوجبهی، یعنی ماهیت فنی و ماهیت جذاب کاربردی، می‌تواند منشأ بدخلی‌های نو در ذائقه روحی و فکری بشر امروزی باشد و جامعه زنان به دلیل نفوذ حداقلی در ساختار قدرت و سیاست و اجتماع، ممکن است آسیب‌های بیشتری را متحمل شوند (اسمیتلی، ۲۰۰۴: ۴۹)؛ امروزه این بحث به دستاویزی برای فمینیست‌ها نیز تبدیل شده است. مباحث ذکرشده یادآور می‌سازد که جامعه مورد پژوهش، مسبب کدام‌یک از عوامل به‌دست‌آمده در نمودار شکل ۲ بوده‌اند. خدشه‌دار شدن امنیت روانی و فیزیکی زندگی و سلب آرامش روحی و روانی از فضای دونفره تا چندنفره خانوادگی تا تزریق ناامنی‌های متعدد به جامعه، حاصل گسترش بدون آموزش و بدون محدودیت فضای مجازی و موج‌سواری بی‌مورد و بدون منطق گروه‌های سیاسی و قدرت‌طلب بر این فضا، دستاورد کارکردی فضای مجازی به‌ویژه در جامعه زنان ایرانی شده است.

این برداشت به‌هیچ‌وجه منکر آثار مثبت و خدمات شفاف و سریع فضای مجازی نیست؛ بلکه در نتیجه نهایی اصرار بر این است که با ضابطه‌مند کردن فعالیت‌ها و حاکمیت آموزش و قانون، این فناوری در خدمت بهبود شاخص‌های کمی و کیفی زندگی قرار گیرد. شکل ۲ نشان می‌دهد که زندگی امن و آرامش در فضای مجازی در دل کدام گزاره‌های شناخته‌شده نهفته است؛ زیرا نگارنده اعتقاد دارد که استفاده از فناوری‌های نو ارتباطی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی خلق شده در تلفن‌های همراه، به‌خودی‌خود جنبه منفی ندارند و کاربران و مخاطبان به آنها جهت می‌دهند. آثار و پیامدهای مثبت و منفی این شبکه‌ها، به نحوه استفاده کاربران مرتبط است و بنا به استفاده کاربران، زوایای مثبت و منفی دارد. نکته شایان ذکر دیگر در این زمینه، اینکه دلایل و پیامدهای اصلی حضور و فعالیت زنان ایرانی در این شبکه‌ها، نسبت کارکردها در این فضا است که در ایران با کشورهای پیشرفته تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در جامعه ایران، به دلیل ناآگاهی و آموزش نادرست و به‌تعبیری، تأخر فرهنگی موجد در این زمینه و نبود سیاست‌گذاری از سوی کشور و خانواده‌ها در این خصوص، فعالیت در این شبکه‌ها و استفاده از آنها به‌طور عمده به امور روزمره، عمومی و غیر کاربردی غیرضرور محدود شده و همچنین امواجی گسترده از نشر مطالب، موضوعات و مباحث فاقد محتوا و فاقد مرجع معتبر را دربر گرفته است.

## نیازهای زندگی امن و با آرامش در فضای مجازی



شکل ۲. نیازهای زندگی امن و با آرامش در فضای مجازی

شکل ۲ گویای آن است که حضور و فعالیت بیش از حد در این شبکه‌ها عاملی برای بهم خوردن زندگی و بروز اختلال در فعالیت‌های معمول زنان و همچنین عاملی برای نارضایتی همسر و درنهایت، بروز مشاجره‌ها و سردی روابط و تنش‌های خانوادگی می‌شود. از سویی دیگر، بخش دیگری از یافته‌های این پژوهش نشان از واقعیت دیگری می‌دهد که عضویت در گروه‌ها، صفحات و کانال‌های فعال در شبکه‌های اجتماعی موبایلی، به‌ویژه موارد مثبت و مفید آن، ممکن است به ارتقای اطلاعات و عملکرد زنان در عرصه‌های شخصی-خانوادگی کمک کند.

هرچند با توجه به ساختارهای سنتی حاکم بر جامعه ایرانی، مسئله آزادی بیش از حد زنان در فضای مجازی همچنان خوشایند مردان ایرانی نیست و ورود دقیق به این موضوع که از قضا در حال حاضر به دلیل پنهان‌کاری‌های فراوان در این فضا به‌هیچ‌روی مقدور نیست، می‌تواند ابعاد دقیق‌تری از کارکرد و آثار فضای مجازی بر جامعه زنان ایرانی را عیان سازد.

## نتیجه‌گیری

بی‌گمان دنیای مجازی، دنیای دوم انسان‌ها شده است. به جرئت می‌توان گفت «این دنیای جدید یک عالم فرصت و بی‌نهایت تهدید است». ظهور شبکه جهانی اینترنت و به تبع آن فضای مجازی به‌مثابه یکی از برجسته‌ترین فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، نمایانگر پیشرفت فناوری‌های انسان امروزی است و سهم آن در ایجاد و تغییرات اجتماعی و به‌ویژه تغییرات ارزشی، چشم‌پوشیدنی نیست. براساس پژوهش، فضای مجازی در افزایش حس اعتمادبه‌نفس و استقلال در زنان تأثیر بسزایی داشته است؛ همین‌طور با درصد زیادی نشان می‌دهد که فضای مجازی به افزایش اطلاعات عمومی زنان کمک کرده است و نیز این فضای سایبری و شبکه‌های مجازی سبب افزایش سطح آگاهی و دانش در زنان جامعه شده است. بسیاری نیز معتقد بودند که فضای مجازی سبب افزایش حضور زنان در مشارکت‌های اجتماعی شده است و درنهایت، با درصد شایان توجهی با این انگاره موافق بودند (که در واقع اساس پژوهش به‌عمل آمده بود) که فضای مجازی ضمن اینکه موجب ارتقای سطح فکری و اجتماعی زنان در جامعه می‌شود، پیامدهای جانبی زیادی را نیز متوجه این قشر گسترده در ایران کرده است؛ به‌گونه‌ای که این فرایند در حال تبدیل شدن به معضل بزرگ اجتماعی در ابعاد مختلف است. از سوی دیگر، براساس یافته‌ها، اگر استفاده از این فضا آمیخته با آموزش مطلوب و فرهنگ‌سازی متناسب با کاربری و عملکرد فضای مجازی صورت بگیرد، فضای مجازی به‌طور گسترده و خاص منجر به تحرکات اجتماعی بیشتر زنان و

ارتقای جایگاه اجتماعی آنان نیز می‌شود؛ زیرا آگاهی زنان از توانمندی‌های خود سبب می‌شود از گوشه‌نشینی و خلوت‌گزینی بیرون آیند و جسارت تصمیم‌گیری در امور مربوط به خود بدون دخالت کسی را به‌دست آورند. همچنین فضای مجازی سبب عضویت زنان در جامعه اطلاعاتی می‌شود؛ جامعه اطلاعاتی فرصت‌های بسیار خوبی برای زنان فراهم کرده است تا زنان بتوانند با ارتقای دانش عمومی خود و مشارکت بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه اطلاعاتی، جایگاه واقعی خود را به‌دست آورند.

از دیدگاه دونا هاراوی چالش‌های هویت‌های منفرد و شبکه‌های کنترل که برای بازداشتن زنان و دیگر گروه‌های به‌حاشیه‌رانده شده فعالیت می‌کنند، جای بحث دارد. تنها نکته تأمل‌برانگیز در دیدگاه هاراوی، به‌چالش کشیدن نظام‌های سیاسی در موضوع مطالبات اجتماعی آنان است (هاراوی، ۲۰۱۲: ۱۰۹). درکل می‌توان گفت فضای مجازی با اختصاص فضایی خاص به زنان که نیمی از سرمایه انسانی جامعه ما را شکل می‌دهند، درپی ایجاد فرصت‌های برابر و بدون محدودیت برای آنان است. شاید بیش از هر گروه و سن و جنسیتی دیگر، فضای مجازی به یاری زنان جوامعی همچون ایران رسیده باشد. این فضا با کمک به شناخت قابلیت‌ها و توانایی‌های زنان می‌کوشد آنان اعتمادبه‌نفس بیشتری داشته باشند و با حس استقلال‌طلبی درپی ایجاد شرایطی به‌نفع خود باشند که تحقق این خواسته بزرگ در گرو مهار ناهنجاری‌های گسترده در این فضا و مدیریت سالم شبکه‌های اجتماعی است.

### پیشنهادها و راهکارها

با توجه به بررسی‌ها انجام گرفته و نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، پیشنهادهایی به شرح زیر بیان می‌شود:

- آموزش‌های لازم و تقویت مراکز آموزشی در زمینه افزایش دانش و آگاهی مجازی زنان در جهت دسترسی بهتر و فنی‌تر به فناوری ارتباطات و اطلاعات؛
- انجام گرفتن امور فرهنگی برای نگاه فنی و منصفانه در زمینه اشتغال زنان و مهارت آنان در حوزه‌های مختلف و بروز توانمندی‌های آنان در عرصه‌های کلان جامعه؛
- اختصاص شبکه‌های تخصصی رسانه‌ای در جهت آموزش و ارتقای سواد رسانه‌ای و مجازی و ایجاد زمینه‌های لازم برای شفاف‌سازی فعالیت‌ها در فضای مجازی. همان‌گونه که این فضا محل کسب و کار است، محل تردیدها و شبهات فراوانی در تمام حوزه‌های اخلاقی، فردی، گروهی و صنفی و محل انحراف عقاید و دیدگاه‌های اصیل و هنجارمحور است؛
- افزایش توانمندی‌های زنان در خصوص استفاده آگاهانه از فضای مجازی؛
- اختصاص بودجه به شبکه‌های مجازی مخصوص زنان با تولید محتوای علمی و فناوری؛
- حمایت دولتی از مدیران کانال‌های اجتماعی تأثیرگذار که به امور اقتصادی و درآمدی نیز می‌پردازند؛
- ایجاد محیط امن و سالم در فضای مجازی در جهت بهبود کیفیت مناسبت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و معاشرتی؛
- ایجاد شبکه‌های محتوای محور در جهت بالا بردن سطح فکری و اجتماعی زنان؛
- ایجاد کانال‌ها و صفحه‌های مجازی با مدیریت و نظارت دستگاه‌های دولتی در جهت افزایش آگاهی زناشویی مخصوص بانوان؛
- ایجاد فضای رقابتی سالم اقتصادی در فضای مجازی در جهت افزایش کارآفرینی زنان؛
- ارتقای سواد رسانه‌ای و مهارت‌افزایی در خصوص فضای مجازی؛

- به‌روزرسانی نحوه تعامل در فضای مجازی و حقوق شهروندی؛
- آموزش و آگاه‌سازی مستمر کاربران فضای مجازی؛
- شناسایی مضرات استفاده بیش‌ازحد زنان از فضای مجازی بر سلامت روانی اعضای خانواده؛
- عرضه آموزش‌های لازم در جهت رده‌بندی سنی و کیفیتی آنها در فضای مجازی و ایجاد تعادل در میزان مصرف؛
- شناسایی مشکلات زناشویی ناشی از استفاده بیش‌ازحد از فضای مجازی؛
- بررسی تأثیرات فضای مجازی بر ارزش‌ها و باورهای دینی و فرهنگی زنان.

### دست‌آورد پیشنهادی این پژوهش

براساس نتایج این بررسی، پیشنهاد می‌شود ذیل سازمان ملی فضای مجازی کشور و مرکز اطلاعات و فناوری کشور، سامانه مرکزی حوزه بانوان با کارکردهای متعددی از دنیای دوم (فضای مجازی) ایجاد شود و پژوهش‌های مستمر و فنی در زمینه این فضا و در خصوص شناسایی فرصت‌ها، مزایا، مضرات و تهدیدهای آن و همچنین استفاده بیش‌ازحد از فضای مجازی و آثار و پیامدهای آن بر سلامت روانی زنان و خانواده‌ها و راه‌های جلوگیری از وقوع آن انجام گیرد.

بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد ضریب آسیب‌پذیری زنان و دختران در سنین مختلف در فضای مجازی بسیار زیاد است و تمرکز بیش‌ازحد و افراطی بر این مقوله، منجر به پذیرش اعتمادهای بی‌مورد و سلطه روابط لجام‌گسیخته می‌شود که روند آن در جامعه زنان ایرانی، روندی تصاعدی است. بنابراین، استمرار روند فعلی، حرکت به سمت آسیب‌ها را تشدید کرده، ممکن است آینده مخربی را برای زنان ایرانی در سنین مختلف و در حوزه‌های متعدد رقم بزند.

اما دست‌آوردی که ملموس‌تر از دیگر دست‌آوردهای این پژوهش است، این است که سطحی‌نگری و نسجیدگی در استفاده از این فضاها، برای مثال برقراری روابط خارج از عرف با جنس مخالف، مسائل و مشکلات متعددی را در خانواده‌های ایرانی به‌وجود آورده است. عمق این موضوع را می‌توان در گزارش‌های نهادهای درگیر قضایی کشور در ارتباط با این موضوع متوجه شد. نتایج پژوهش بنیاد صیانت از نهاد خانواده قوه قضائیه در بازه زمانی اردیبهشت سال ۱۳۹۴ تا اردیبهشت ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که براساس داده‌های پرونده‌های منجر به طلاق در دادگاه‌های خانواده ۵ استان (تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و گیلان) ۱۷ درصد از طلاق‌ها به‌ویژه در ۳ سال اول زندگی مشترک، ناشی از نفوذ و گسترش شبکه‌های اجتماعی بوده است. انتخاب نامناسب و همسرگزینی ناموزون، علت اصلی اختلافات زناشویی است و ضعف مهارت‌های زندگی در برقراری تفاهم و همدلی، دومین عامل بروز اختلاف‌هاست. نداشتن تفاهم و ضعف در برقراری ارتباط عاطفی، ناشی از تغییر سبک زندگی سبب شده است تا با ورود شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه نرم‌افزارهای تلفن همراه، شاهد ناهنجاری‌های ناشی از نبود فرهنگ‌سازی مناسب در برخورد با این پدیده باشیم. یکی دیگر از مخرب‌های فضای مجازی در ارتباط با زنان که علاوه بر آثار مخرب فرهنگی-اجتماعی و هنجاری، آثار امنیتی نیز دارد، نقش پررنگ و لجام‌گسیخته چهره‌های نشانه‌دار غیرحرفه‌ای به‌نام سلبریتی‌های زن است که غبار آلودگی فضای مجازی را دوچندان کرده است.

البته این ناآگاهی و استفاده صحیح از شبکه‌های اجتماعی موبایلی را با مسئله تأخر فرهنگی می‌توان توضیح داد. در واقع، تمرکز نظریه‌سایر فمینیسم بر افزایش توانمندی زنان در عرصه‌های مجازی و در پی آن عرصه‌های واقعی جامعه است. همین موضوع همان‌گونه که در بخش‌های پیشین مقاله به آن اشاره شد، سبب بهره‌برداری سیاسی و منفعت‌طلبانه حزبی از زنان در ایران شده است.

بررسی‌های نهایی نشان می‌دهد که رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی از یک‌طرف موجب تسهیل ارتباطات و از میان برداشتن مرزهای جغرافیایی (به‌ویژه مرزهای انسانی) و دسترسی به اطلاعات شده و از طرف دیگر، زمینه‌های بروز آسیب‌ها و مسائلی را در این زمینه فراهم کرده است. به‌نظر می‌رسد که استفاده از اینترنت زمینه بروز انزوایی را در زنان فراهم آورده است که به روابط و تعاملات روزمره آنان آسیب می‌رساند. موانعی بر سر راه زنان برای حضور بیشتر و پررنگ‌تر در عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات وجود دارد که شامل شکاف دیجیتالی، دسترسی نداشتن به کامپیوتر، سطح پایین سواد در زنان و نبود امکانات و تسهیلات در این زمینه است. این عوامل موجب می‌شود که زنان نتوانند در عرصه فناوری اطلاعاتی و ارتباطی حضور مناسبی داشته باشند و از امکانات و فناوری‌های آن استفاده کنند؛ درحالی‌که دسترسی و استفاده مناسب از این فناوری‌ها ممکن است زمینه بهبود وضعیت زنان را مهیا کند.

علاوه بر موانعی که بر سر راه زنان در استفاده از اینترنت است، برخی عوامل هم وجود دارد که موجب خوارداشت شخصیت زن در فضای مجازی می‌شود؛ همچنین آسیب‌هایی در استفاده از اینترنت بدون داشتن اطلاعات کافی درباره آن وجود دارد. جرایم اینترنتی زنان را بیشتر از همه هدف قرار داده است و از آنان سوءاستفاده می‌کند. با وجود این مسائل، به‌نظر می‌رسد که زنان باید از آسیب‌هایی که اینترنت آنان را در معرض خطر آنها قرار می‌دهد، آگاه باشند تا با ناآگاهی گرفتار مصائب نشوند.

به آموزش و فرهنگ‌سازی، چه برای زنان و چه برای دیگر افراد جامعه، درباره نحوه صحیح استفاده از اینترنت نیاز است. زنان با آگاهی از مسائل جانبی، ناامنی‌ها و جرایم اینترنتی و با دراختیار داشتن اطلاعات کافی درباره فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌توانند خود را به ظرفیت‌های مثبت آن منعطف‌تر کنند و استفاده مطلوب و مناسبی از اینترنت داشته باشند و آسیب‌های آن را به کمترین حد ممکن برسانند.

### سپاسگزاری

درنهایت، از مدیر محترم، سردبیر و تمامی عوامل اجرایی فصلنامه وزین «پژوهش‌های جغرافیای انسانی» دانشگاه تهران، به‌ویژه از مدیر محترم اجرایی آن برای نشر ارزشمندترین مطالب علمی-پژوهشی در حوزه علوم جغرافیایی و مباحث تخصصی، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنیم.



## منابع

۱. قرآن مجید. سوره حجرات. آیه ۱۳.
۲. ارکان، عاطفه. (۱۳۸۶). «سیر ارتباطی وسایل ارتباطاتی بشر از جامعه ابتدایی تا جامعه اطلاعاتی». هفته‌نامه پگاه حوزه. شماره ۲۱۳. ص ۱۵.
۳. بل، دیوید. (۱۳۸۹). درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر. ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۴. بودریار، ژان. (۱۳۸۳). «گسترش تکنولوژی و تعمیق فضای مجازی». (گفت‌وگو). ماهنامه سیاحت غرب. شماره ۱۶. ص ۱۶.
۵. پارسی‌راد، پرویز. (۱۳۸۲). زن اعجاز خلقت. تهران: ناصح.
۶. جلالی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). «توانمندسازی زنان با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات». سایت انجمن زنان. قابل مشاهده در: [taskwww.ea.wenet.ir/index.php?option=comcontent](http://taskwww.ea.wenet.ir/index.php?option=comcontent)
۷. خرازی محمدوندی آذر، رها. (۱۳۸۷). «رویکرد پسامدرنیسم به دیپلماسی رسانه‌ای». پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
۸. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). «اینترنت و خانواده در ایران معاصر». مجموعه مقالات همایش زنان و اینترنت در هزاره سوم. دفتر امور زنان سپاه. ص ۳۳-۳۵.
۹. ساندرز، دیوید. (۱۳۸۰). الگوی بی‌ثباتی سیاسی. ترجمه ناشر. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. سروری زرگر، محمد. «درآمدی بر فضای مجازی». سایت مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌های همشهری. قابل مشاهده در: [www.hccmr.com/news\\_456.aspx](http://www.hccmr.com/news_456.aspx)
۱۱. شریعتی، علی. (۱۳۵۹). فاطمه فاطمه است. تهران: شب‌دیز.
۱۲. شفیع، شفیع. (۱۳۸۴). «اینترنت و نقش آن در زندگی اجتماعی». سایت آفتاب. قابل مشاهده در: <http://www.aftabir.com/articles/view/>
۱۳. صادقی، فرید. (۱۳۹۵). بررسی سیاستگذاری رسانه ملی در تولیدات محتوایی شبکه‌های اجتماعی موبایلی. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. ضیایی‌پور، حمید و طاهره ساعدی. (۱۳۹۵). شبکه‌های اجتماعی مجازی: فرصت‌ها و تهدیدها. تهران: سیما شرق.
۱۵. عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۸). شبکه‌های علمی مجازی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۶. کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). اقتصاد، جامعه و فرهنگ عصر اطلاعات. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز. جلد سوم. تهران: طرح نو.
۱۷. مجیدی قهرودی، نسیم و فاطمه آذری. (۱۳۸۹). «بررسی نقش اینترنت در ارتقای جایگاه زنان». دوفصلنامه پژوهش‌نامه زنان. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۱. شماره ۲. ص ۱۰۹-۸۷.
۱۸. محسنی، منوچهر. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی. تهران: نشر دیدار.
۱۹. محمدی، حمید. (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی و دنیای مجازی بر میزان طلاق و رضایت زناشویی». سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهشی در مهندسی. مؤسسه سرآمد همایش کارین.
۲۰. مسعودی، علی. (۱۳۸۱). «پدیده اینترنت». ماهنامه دیدار آشنا. شماره ۲۷. ص ۱۵.
۲۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). (۱۳۷۴). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (س). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۲۲. نایار، پرامودکی. (۱۳۹۴). درآمدی بر رسانه‌های نوین و فرهنگ‌های مجازی. ترجمه سعیدرضا عاملی و گودرز میرانی. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. هاراوی، دانا (۱۳۸۴)، مانیفست سایبرگ. تهران: نشر گل آذین

۲۴. هنرپروران، نازنین و ژاله رفاهی. (۱۳۸۵). «زنان و پیامدهای روان‌شناختی چت و دوست‌یابی‌های اینترنتی». مجموعه مقالات همایش زنان و اینترنت در هزاره سوم. دفتر امور زنان سپاه.

25. Castells. Manuel. (2007). "Communication, Power and Counter-Power in the Network". International Journal of Communication. Vol. 1. 25 . PP. 238-266.
26. Christmann, K. & M. Rogerson. (2004). Crime, Fear of Crime and Quality of life Identifying and Responding to Problems. Sheffield Hallam University.
27. Conclave, Mia. (2012). "Cyberfeminism" .Encyclopedia of New Media. Ed. Thousand Oaks. CA: SAGE. 2002. 109-10. SAGE Reference Online. Web. 4 Apr. 2012.
28. Smitley, Megan. (2004). "Women and the Internet: Reflections on Cyberfeminism and a Virtual Public Sphere". Part of the Assessment for MSc. Information Technology at Queen Mary. University of London. 29 November 2004.
29. Stefan, Fenz. (2005). "Cyberspace Security: A definition and a description of remaining problems". University Vienna. Institute of Government & European Studies.

